

تحلیل عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شهری با توجه به سطوح

ثروت غیرمنقول در ایران

شهریار زروکی*

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران، sh.zaroki@umz.ac.ir

مستانه یدالهی اطاقسرا

کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران، Mastaneh.yadolahi@yahoo.com

سارا مقصودی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران، sara.maghsoudi80@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

چکیده

فقر خانوار از جمله عواملی است که از توسعه‌یافتگی جوامع جلوگیری می‌کند. فقر از طریق بعد اقتصادی و اجتماعی اثر مخرب بر جامعه دارد. جهت مقابله با این پدیده، شناسایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن حائز اهمیت است. با توجه به سطح ثروت خانوارها، نوع اثر عوامل و شدت تأثیرگذاری آن‌ها بر فقر متفاوت باشد؛ هدف از این پژوهش، تحلیل اثرگذاری هر یک از عوامل بر احتمال فقر در سطوح مختلف ثروت است. بدین منظور با بهره‌گیری از ریز داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۹ و بر پایه روش ۶۶ درصد میانگین سرانه مخارج خانوار در هر استان، خانوارهای فقیر از غیر فقیر جدا شدند. همچنین خانوارهای هر استان، در یکی از سه گروه تعریف شده از ثروت جای گرفتند. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش بر مبنای داده‌های شبه تابلویی و به روش اثرات تصادفی در رگرسیون لجستیک در سه سطح از ثروت حاکی از آن است که در رده میانی ثروت که بیشترین میزان از خانوارها را در خود جای داده است، سن، تحصیلات و مرد بودن سرپرست خانوار اثر معکوس و مجذور سن، تأهل سرپرست و بُعد خانوار اثر مستقیم بر احتمال فقر دارد. با افزایش در سطح ثروت خانوارها، از شدت اثرگذاری مطلوب تحصیلات بر احتمال فقر خانوار کم می‌شود. همچنین اثر نامطلوب بُعد خانوار بر احتمال فقر در حرکت از رده‌های پایینی به رده‌های بالایی ثروت کم‌رنگ‌تر می‌شود. کمینه‌ی احتمال فقر در سنین بالاتری نمایان خواهد شد. تأهل سرپرست در هر دو رده ثروت، اثر معناداری بر احتمال فقر خانوارها ندارد.

واژه‌های کلیدی: فقر، ثروت، داده‌های شبه تابلویی، ایران.

طبقه‌بندی JEL: I32, G51, C23

* نویسنده مسئول مکاتبات

۱-مقدمه

تمامی تعریف‌های فقر به محرومیت اشاره می‌کنند ولی محرومیت یک مفهوم اجتماعی و نسبی است که بر اساس هنجارها و باید و نبایدهای جوامع تعیین می‌گردد در نتیجه فقر در یک کشور در حال پیشرفت که فقر عمدتاً محرومیت از امکانات حیاتی (مثل دارو، غذا، مسکن و پوشاک) است با فقر در کشور توسعه‌یافته تفاوت دارد (حسن‌زاده^۱، ۱۳۷۹). در جوامع امروزی یکی از عوامل مهمی که از توسعه‌یافتگی جلوگیری می‌کند فقر خانوار است. تا زمانی که خانوار نتواند از درآمد خود بخش قابل‌توجهی را به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اختصاص دهد چرخه اقتصاد به‌خوبی نمی‌چرخد. نکته قابل‌توجه در رابطه با میزان درآمد خانوارها این است که میزان درآمد آن‌ها نه‌تنها در سطح کلان تأثیرگذار و حیاتی است بلکه در سطوح خرد نیز اهمیت بالایی دارد. به‌طور مثال آموزش و تحصیلات دو مؤلفه مهمی هستند که خانوارهای در گستره فقر از آن‌ها دور می‌شوند زیرا خانوارهای فقیر ابتدا در پی رفع نیازهای اساسی خود می‌باشند و مواردی همچون آموزش و تحصیل به‌طور معمول در اولویت بعدی این دسته از خانوارها است. فاصله گرفتن خانوارهای فقیر از آموزش و تحصیل هم مانعی برای افزایش بهره‌وری و دستمزد آن‌ها می‌شود و هم اثر نامطلوبی بر توانمندسازی آن‌ها در آینده دارد، در نتیجه باعث می‌شود در چرخه باطل فقر بیفتند (انگل و بلک^۲، ۲۰۰۸؛ شیخ و همکاران^۳، ۲۰۲۰). ضمن اینکه کودکانی که در خانوارهای فقیر آموزش‌های لازم را ندیده‌اند در آینده تبدیل به والدین ناآگاه می‌شوند. امروزه ناآگاهی والدین یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش نرخ مرگ‌ومیر نوزادان شناخته می‌شود که در سطح کلان موجب کاهش نرخ رشد جمعیت و نیروی کار خواهد شد (پنا و همکاران^۴، ۲۰۰۰). یکی دیگر از معایب فقر ایجاد نابرابری‌های اجتماعی است که در این حالت عده‌ای از امکانات و رفاه بهره کافی می‌برند در صورتی که عده‌ای دیگر دسترسی به این امکانات را ندارند. در نتیجه این نابرابری اجتماعی، دشمنی میان طبقات جامعه افزایش خواهد یافت و در پی آن آمار

¹ Hasan Zadeh (2000)

² Engle & Black

³ Shaik et al.

⁴ Peña et al.

جرم و جنایت دچار افزایش می‌شود (کواناق^۱، ۲۰۱۱)؛ بنابراین فقر نه تنها از ابعاد اقتصادی مخرب است بلکه از ابعاد اجتماعی نیز اثرهای نامطلوبی برای جامعه به همراه دارد. بدیهی است تنها راه مقابله با فقر، شناسایی دقیق علت به وجود آمدن فقر و عوامل تأثیرگذار بر این پدیده اقتصادی- اجتماعی است. به همین منظور، در دهه‌های اخیر مطالعات بسیاری در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر فقر انجام شده است که هر کدام دسته‌ای از عوامل را معرفی نمودند. موضوعی که اکثر پژوهشگران در حوزه فقر بر آن اتفاق نظر دارند این است که فقر فقط تحت تأثیر یک عامل نیست و متغیرهای مختلفی بر فقر اثرگذار هستند که میزان تأثیر هر یک از عوامل متفاوت است (پنگ و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ وانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۱). به طور مثال رودریگز و همکاران^۴ (۲۰۲۱) بیان کردند که میزان فقری که به خاطر عدم تحصیل ایجاد می‌شود با میزان فقری که به دلیل جنسیت یا بعد خانوار به وجود می‌آید به یک میزان نیست (همان). نکته مهم در رابطه با مطالعات پیشین در رابطه با بررسی عوامل مؤثر بر فقر آن است که تمام مطالعات داخلی توجهی به سطوح ثروت نداشته‌اند. بدین معنا که در هر گروه از ثروتمندی خانوارها، ممکن است نوع اثر عوامل و شدت اثر آن‌ها متفاوت باشد؛ بنابراین در این پژوهش هدف بررسی میزان اثرگذاری هر یک از عوامل مؤثر بر فقر در سطوح مختلف ثروت غیرمنقول است. به این منظور با استفاده از داده‌های سال ۱۳۹۹ به تفکیک استان‌های ایران و سه سطح متفاوت از ثروت خانوار میزان تأثیر متغیرهای تحصیلات، سن، جنسیت، تأهل و بعد خانوار بر فقر بررسی خواهد شد.

بر این اساس در ادامه، مقاله به این صورت سازمان‌دهی شده است که در بخش دوم به ادبیات پژوهش با تأکید بر ادبیات نظری و ادبیات تجربی پرداخته خواهد شد. در بخش سوم روش پژوهش، پردازش اولیه و توصیف داده‌ها ارائه خواهد شد. سپس در بخش چهارم برآورد مدل با داده‌های شبه تابلویی به روش حداکثر درست‌نمایی انجام می‌شود و در پایان، نتایج پژوهش و راهکارها ارائه می‌گردد.

¹ Kavanagh

² Peng et al.

³ Wang et al.

⁴ Rodriguez et al.

۲- ادبیات موضوع

طبق فرضیات عوامل مؤثرکاهنده بر فقر در ایران می‌توان رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، گسترش نظام‌های حمایتی و تأمینی و صنعتی شدن را نام برد. همچنین تورم و افزایش نابرابری‌های اجتماعی اثر فزاینده بر فقر دارد (حسن‌زاده، ۲۰۰۰). فقر و راه‌های کاهش آن در گرو مکتب و نظریه‌پردازان حاکم بر اقتصاد یک کشور است زیرا هر دیدگاه عامل پدیدآورنده فقر را متفاوت می‌داند و در نتیجه راه‌حل نیز متفاوت می‌گردد. فقر یا به خاطر خود افراد جامعه یا اخذ سیاست‌های اقتصادی نادرست است. اولین قدم به خاطر درک درست فقر یک منطقه باید دلیل پیدایش فقر باشد. در مرحله بعد باید اثرگذاری و میزان دلایل پدیدآورنده مشخص شود. گاه در دو جامعه فقر به خاطر دلایل یکسان ولی میزان متفاوت به وجود آمده‌اند که این باعث می‌شود راه‌حل اتخاذی برای رفع آن متفاوت شود.

در این مقاله پایه و اساس بر نظریات لیبرالیسم است که نشان می‌دهد دلیل فقر به خاطر سیاست‌های اقتصادی نیست بلکه به خاطر خود افراد جامعه است. لیبرال جامعه‌ای سرمایه‌داری را ترسیم می‌کند با حداقل دخالت دولت و بازار آزاد که افراد فعال در آن منافع خود را حداکثر می‌کنند و این باعث گردش چرخه اقتصادی است. احکام لیبرال‌ها به این موضوع اشاره دارد که این اجتماع است که بر سیاست‌ها اثرگذار هستند و کمک‌های دولتی به فقرا فقط برای جلوگیری از هرج‌ومرج است. در اقتصاد لیبرال بهره‌وری پایین نیروی کار یکی از دلایل پدیدآورنده فقر است و بهره‌وری پایین دستمزد کم را به دنبال دارد که باعث می‌شود پس‌انداز خانوار و در نتیجه سرمایه‌گذاری کاهش یابد که این چرخه باعث ایستادن ماشین پیشرفت و توسعه می‌شود. در رابطه با متغیرهای اثرگذار بر فقر خانوار در ابتدا می‌توان به متغیر سن اشاره کرد. یک نظریه غالب در رابطه با اثرگذاری سن بر فقر اشاره به این موضوع دارد که با افزایش سن سرپرست خانوار ممکن است کاهش فقر رخ دهد به این صورت که فرض می‌شود با افزایش سن سرپرست خانوار به میزان تجربه کاری وی اضافه می‌شود که در نتیجه امکان کسب شغل پردرآمدتر برای این فرد فراهم می‌شود. فرضیه دیگر در این رابطه اشاره به رابطه غیرخطی (U شکل) میان سن و فقر خانوار دارد. فرضیه چرخه زندگی اشاره به این موضوع دارد که فقر در سنین جوانی نسبتاً بالا است، در سنین میان‌سالی میزان فقر

کاهش می‌یابد و سپس دوباره در دوره پیری فرد میزان فقر افزایش خواهد یافت چون در جوانی فرد از شغلی به شغل دیگر برای شرایط بهتر جابه‌جا می‌شود که این باعث بیکاری کوتاه‌مدت است و در میان‌سالی در شغلی پایدار می‌شود و دیگر بیکاری کوتاه‌مدت ندارد و در سن پیری از پس‌اندازهای قبلی خود استفاده می‌کند (لکوبانه و سلکا، ۲۰۱۷). بعد خانوار نیز قادر است بر فقر خانوار اثرگذار باشد. وجود تعداد بالای فرزند و سالمند در یک خانوار احتمال فقر خانوار را افزایش می‌دهد. به دلیل اینکه انتظار می‌رود فرزندان (افراد کمتر از ۱۵ سال) و سالمندان (افراد بالای ۶۵ سال) از فضای کاری به دور باشند و تنها نقش مصرف‌کننده را در خانوار ایفا می‌کنند که در نتیجه موجب افزایش مخارج خانوار می‌شوند در صورتی که منبع درآمد محدود است (بریسو، ۲۰۱۶). مورد دیگر که بر فقر خانوار تأثیرگذار است موضوع جنسیت سرپرست خانوار می‌باشد. به‌طور معمول انتظار می‌رود که احتمال فقر در زنان سرپرست خانوار از مردان سرپرست خانوار بیشتر باشد به این دلیل که تعصبات موجود در جامعه فرصت‌های نابرابری را در آموزش، اشتغال و مالکیت دارایی‌ها برای زنان نسبت به مردان ایجاد می‌کند. از سوی دیگر زنان بیشتر در شغل‌های کم‌درآمد و زمان‌بر به کار گرفته می‌شوند که موجب می‌شود میزان درآمدزایی و سرمایه آن‌ها کاهش یابد در صورتی که مردان از وضع درآمدی و حقوقی بهتری برخوردار هستند (اکوجی، ۲۰۰۲؛ شاه و دبانس، ۲۰۲۱). تحصیلات دیگر موردی محسوب می‌شود که قادر است فقر خانوار را تحت تأثیر قرار دهد. ارتباط مستقیم خطی میان تحصیلات و درآمد وجود دارد به این صورت که آموزش موجب افزایش انباشت سرمایه انسانی می‌شود که به نوبه خود افزایش بهره‌وری نیروی کار و دستمزد را به همراه دارد. بدین ترتیب انتظار می‌رود با افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار، احتمال پیدا کردن شغل مناسب با درآمد بهتر افزایش یابد در نتیجه شانس فقیر بودن آن خانوار به‌طور معناداری کاهش یابد. به‌علاوه امکان وجود دارد که افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار موجب ترغیب دیگر افراد خانوار برای تحصیل و کسب مهارت شود که در نهایت شانس افراد خانوار را برای کسب

¹ Lekobane & Seleka

² Berisso

³ Okojie

⁴ Shah & Debenth

شغل‌هایی با دستمزد بیشتر افزایش می‌دهد (آوان و همکاران^۱، ۲۰۱۱). وضعیت تأهل افراد نیز انتظار می‌رود بر فقر خانوار تأثیرگذار باشد زیرا با ازدواج یک نان‌آور بالقوه به خانوار اضافه می‌شود یا یک مصرف‌کننده از خانوار خارج می‌شود. یعنی با خارج شدن یک مصرف‌کننده از خانواده وضعیت فقر بهبود می‌یابد. در بعد مخارج انتظار بر این است نخست مردان متأهل زمان و پول کمتری را در خارج از خانه هزینه کنند. دوم زوج‌های متأهل با ترکیب مخارج کمتری می‌توانند به سطح مطلوبیت مشابه با زمانی که هرکدام مجرد بودند دست یابند؛ زیرا بعضی از هزینه‌های ثابت مثل اجاره مسکن و هزینه‌های آب و برق و گاز نسبت به زمان مجردی هر یک از طرفین کاهش می‌یابد. بنابراین تأهل قادر است مخارج مصرفی افراد را کاهش دهد و از این طریق نیز بر میزان فقر خانوار اثرگذار باشد. تأهل همچنین می‌تواند مزایایی را برای افراد به همراه داشته باشد. به‌طور مثال زوج‌های متأهل برای کمک در شرایط دشوار زندگی می‌توانند از بستگان خود کمک بگیرند یا افراد متأهل به‌واسطه زوج شاغل خود می‌توانند به بسیاری از مزایا همچون بیمه درمانی و عمر دست پیدا کنند (آنیانو^۲، ۲۰۱۴ و تانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۲).

در حوزه کاربردی و ادبیات تجربی، پژوهش‌های متعددی در رابطه با عوامل مؤثر بر فقر در ایران و سایر کشورها انجام شده است. در این باب، عرب مازار و حسینی نژاد^۴ (۱۳۸۳)، عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی ایران را با استفاده از داده‌های درآمد- هزینه خانوار در سال ۱۳۷۹ با روش لاجیت مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در میان کشاورزان، افزایش بار تکفل و کاهش دارایی‌های خانوار از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که احتمال فقیر شدن خانوار را افزایش می‌دهند. همچنین در گروه شاغلان استخدامی، بی‌سواد بودن سرپرست خانوار و کاهش دارایی‌ها احتمال فقر خانوار را افزایش می‌دهد. دسیلوا^۵ (۲۰۰۸)، عوامل اثرگذار بر کاهش فقر را در سریلانکا با استفاده از رگرسیون‌های لاجیت^۶ و کمی مورد آزمون

¹ Awan et al.

² Anyaneu

³ Tang et al.

⁴ Arab Mazar & Hosseini Nejad (2004)

⁵ De Silva

⁶ Logistic regression

قرارداد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تحصیلات سرپرست خانوار، کارمند یا شاغل بودن در یک کسب‌وکار موجب کاهش احتمال فقر خانوار خواهد شد. همچنین اندازه خانوار، زن سرپرست بودن، زندگی در مناطق روستایی و کار روزمزد احتمال فقر خانوار را افزایش می‌دهد. محمد زاده و همکاران^۱ (۱۳۸۹)، عوامل تعیین‌کننده فقر را در میان خانوارهای شهری ایران با مدل پروبیت و ریز داده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار در سال ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار، مرد سرپرست بودن، افزایش سن سرپرست خانوار، افزایش تعداد افراد دارای درآمد خانوار و افزایش بعد خانوار احتمال فقر را کاهش می‌دهد. علمی و علی تبار^۲ (۱۳۹۱)، اثر آموزش و بعد خانوار را بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران را با استفاده مدل لاجیت، روش حداکثر درست‌نمایی و داده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که افزایش بعد خانوار، زن سرپرست بودن، سکونت در شرق، غرب و شمال ایران احتمال قرارگیری در فقر را افزایش می‌دهد اما افزایش سال‌های آموزش، مالک بودن و سکونت در جنوب باعث کاهش احتمال فقر در مناطق شهری خواهد شد. ابراهیم پور و علمی^۳ (۱۳۹۲)، اثر عوامل تعیین‌کننده در فقر خانوارهای شهری را با استفاده از ریز داده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار در سال ۱۳۸۸، مدل لاجیت داده‌های تابلویی و روش حداکثر درست‌نمایی مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زن سرپرست بودن و نسبت تعداد افراد باسواد و شاغل خانوار احتمال فقر خانوار را کاهش می‌دهد. همچنین بعد خانوار احتمال قرارگیری خانوار را در فقر افزایش می‌دهد. اگینی و همکاران^۴ (۲۰۱۳)، اثر جنسیت سرپرست خانوار را با استفاده از یک رگرسیون لجستیکی باینری^۵ بر فقر در نیجریه بررسی کردند. نتیجه این پژوهش بیانگر این موضوع است که سرپرستان خانوار زن نسبت به سرپرستان خانوار مرد کمتر در معرض فقر قرار می‌گیرند. سخامپو^۶ (۲۰۱۳)، عوامل تعیین‌کننده فقر را در

¹ Mohamadzadeh et al. (2011)

² Elmi & Alitabar (2013)

³ Ebrahim Pour & Elmi (2013)

⁴ Oginni et al.

⁵ Binary logistic regression

⁶ Sekhampu

یکی از شهرهای آفریقای جنوبی با رگرسیون لجستیکی بررسی نمود. نتایج این پژوهش بیان می‌کند که افزایش سن و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار احتمال فقیر بودن را کاهش می‌دهد در حالی که افزایش در اندازه خانوار احتمال فقر خانوار را افزایش می‌دهد. دارنتو و نورخیس^۱ (۲۰۱۳) با استفاده از مدل لاجیت و داده‌های خرد خانوار در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷، عوامل مؤثر بر فقر را در اندونزی شناسایی کردند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، عوامل تعیین‌کننده پویایی فقر در اندونزی شامل پیشرفت تحصیلی، تعداد اعضای خانواده، دارایی‌های فیزیکی، وضعیت اشتغال، شوک‌های سلامت، برنامه اعتبارات خرد، دسترسی به برق و تغییرات در بخش اشتغال، وضعیت اشتغال و تعداد افراد می‌باشند. رحمان^۲ (۲۰۱۳)، ویژگی‌های خانوار و فقر را در بنگلادش با استفاده یک رگرسیون لجستیکی در دوره ۲۰۰۸ الی ۲۰۰۹ بررسی نمود. نتایج این مطالعه بیانگر این موضوع است که احتمال فقر در خانوارهایی با سرپرست جوان، سطح پایین تحصیلات سرپرست خانوار، زن سرپرست بودن، معلولیت اعضای خانوار، خانوار با تعداد بیشتر سالمند و کودک، افزایش تعداد اعضای خانوار و غالب بودن جنس مؤنث، بیشتر می‌باشد. گریوانی، احمدی شادمهری و فلاحی^۳ (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شهری استان خراسان شمالی را با استفاده از الگوی پروبیت و طرح هزینه- درآمد سال ۱۳۸۹ بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که احتمال قرار گرفتن خانوارهای زن سرپرست نسبت به مرد سرپرست در گروه فقیر بیش‌تر است. همچنین بار تکفل اثر مستقیمی بر افزایش فقر خانوار دارد. لسترپیس و راجارام^۴ (۲۰۱۶)، اثر جنسیت و طبقه اجتماعی را بر فقر هند در دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که زنان سرپرست خانوار و خانواده‌هایی که در طبقه اجتماعی پایین‌تری قرار دارند احتمال فقر بالاتری دارند. آمارا و جمالی^۵ (۲۰۱۸)، عوامل مؤثر بر فقر در تونس را با استفاده از روش لاجیت و ریز داده‌های سال ۲۰۱۰ بررسی کردند. نتایج این پژوهش بیانگر این موضوع است که فقر

¹ Nurkholis & Dartanto

² Rahman

³ Grivani et al. (2014)

⁴ Lastrapes & Rajarm

⁵ Amara & Jammali

خانوار به‌طور مثبت با اندازه خانوار، تعداد فرزندان بیش‌تر و سطح پایین تحصیلات سرپرست خانوار ارتباط دارد. جایاسینگ^۱ (۲۰۱۹)، اثر جنسیت سرپرست خانوار را در سریلانکا با استفاده از ریز داده‌های سال ۱۹۹۰-۱۹۹۱ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ بررسی نمود. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار از مردان سرپرست خانوار بیش‌تر در مقابل فقر آسیب‌پذیر می‌باشند. غضنفری اقدم و علمی^۲ (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقیر ایران را با روش لاجیت، روش حداکثر درست‌نمایی و ریز داده‌های طرح هزینه-درآمد سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان بعد خانوار، زندگی در مناطق شهری و احتمال فقیر شدن رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین اثر سن سرپرست خانوار بر فقر U شکل است. علاوه بر این سال‌های تحصیل و وضعیت درآمدی سرپرست خانوار، تعداد افراد باسواد و شاغل خانوار موجب کاهش احتمال فقر خانوار می‌شود. زروکی و همکاران^۳ (۱۳۹۹) اثر اشتغال غیررسمی و سایر عوامل مؤثر بر فقر را با استفاده از ریز داده‌های سال ۱۳۹۷ و بر اساس روش رگرسیون لجستیک بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که اشتغال غیررسمی همراه با متغیرهای مجذور سن و بُعد خانوار تأثیر مستقیم و متغیرهای تحصیلات، سن و جنسیت سرپرست خانوار با اثری معکوس بر احتمال فقر خانوار همراه است. وانگ و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، عوامل تعیین‌کننده فقر مطلق و نسبی را در شهرستان‌های چین با رگرسیون لجستیکی باینری مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش بیانگر این موضوع می‌باشد که سن سرپرست خانوار، تعداد افراد مسن و خردسال خانوار، تعداد بیماران خانوار، فشار هزینه‌های تحصیلی و فرهنگ فقر به‌طور مثبت با احتمال فقر مطلق ارتباط دارد. همچنین ارتفاع، سطح سرانه زراعت، تعداد بیماران خانوار و فشار هزینه‌های تحصیلی با احتمال قرارگیری خانوار در فقر نسبی رابطه مثبت دارد. رودریگز و همکاران^۵ (۲۰۲۱) با استفاده از داده‌های نظرسنجی درآمد و هزینه خانوار ملی مکزیک در سال ۲۰۱۸ و روش پروبیت عوامل مؤثر بر فقر را در این کشور مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از مدل پروبیت نشان می‌دهد که خانوارهای

¹ Jaysinghe

² Ghazanfari Aghdam & Elmi (2019)

³ Zaroki et al.(2021)

⁴ Wang et al.

⁵ Rodriguez et al.

با بیش از یک عضو و سرپرست زن یا گویش محلی به احتمال زیاد فقیر هستند. وانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۱) با استفاده از روش آلکیره فاستر^۲ و فن مدل‌سازی رگرسیون لجستیک به بررسی فقر چندبعدی و عوامل مؤثر آن پرداختند. ضمن اینکه آن‌ها ۱۹۸ خانوار روستایی در شهرستان شونینگ، استان فوجیان چین را به‌عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عوامل مهم تعیین‌کننده فقر چندبعدی شامل تعداد بیماران مزمن، نسبت افراد غیرفعال خانواده به افراد فعال، ارتفاع دسترسی به اطلاعات می‌شود که در این میان، بیماری مزمن یا ناتوانی عامل اصلی تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی چین است. همچنین دیگر یافته این مطالعه بیانگر این موضوع است که حدود ۶۰ درصد از خانوارهای نمونه، فقر چندبعدی را تجربه می‌کنند.

۳- ارائه الگو، روش پژوهش و توصیف داده‌ها

۳-۱- ارائه الگو و روش پژوهش

هدف از پژوهش حاضر تحلیل عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شهری در ایران با توجه به سطوح ثروت غیرمنقول است. برای این منظور در ابتدا با بهره‌گیری از ریز داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۹ و محاسبه خط فقر، خانوارهای فقیر از غیر فقیر شناسایی شده است. متغیر وابسته‌ی این پژوهش یعنی فقر خانوار، یک متغیر کیفی دو حالتی است که تنها مقادیر یک (فقیر) یا صفر (غیر فقیر) را اختیار می‌کند؛ از این‌رو از نوع متغیر وابسته‌ی محدود است و حاصل رگرسیون یک عدد است که حالت احتمال به خود می‌گیرد و می‌توان از مدل‌های انتخاب دوتایی (لاجیت یا پروبیت)^۳ استفاده نمود. بر همین اساس از یک مدل احتمال استفاده می‌شود که به‌وسیله‌ی آن احتمال قرار گرفتن خانوارها زیر خط فقر را بر اساس دیدگاه نظری ارائه شده به ویژگی‌های سرپرستان آن‌ها از جمله جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و بُعد خانوار مرتبط می‌کند. جهت شناسایی خانوارهای فقیر از خط فقر Z استفاده می‌شود که در این مطالعه بر مبنای روش ۶۶ درصد میانگین سرانه مخارج خانوار

^۱ Wang et al.

^۲ Alkire-Foster

^۳ Logit & Probit

محاسبه می‌گردد. جهت جلوگیری از بروز خطا در تشخیص خانوارهای فقیر، علاوه بر لحاظ نمودن بُعد خانوار در محاسبه خط فقر، به دلیل وجود تفاوت‌های جغرافیایی در مناطق مختلف کشور، خط فقر به شکل استانی برای مناطق شهری ایران برای خانوار ۴ نفره محاسبه می‌گردد. به نحوی که استان‌های کشور به‌عنوان خوشه‌ها در نظر گرفته شده است. در داده‌های تابلویی معمولاً مقاطع انفرادی با دوره زمانی همراه است. ساختار خطا بدین شکل است که اثرات تصادفی برای هر فرد یا مقطع وجود دارد. در پژوهش حاضر، استان‌ها نقش مقاطع و خانوارهای هر استان نقش سری زمانی را دارد. به این ترتیب برای خانوار h در خوشه c داریم:

$$y_{ch}^* = \mu_c + X'_{ch}\beta + \varepsilon_{ch} \quad c = 1, 2, \dots, C; \quad h = 1, 2, \dots, H \quad (1)$$

y_{ch}^* متغیر مشاهده‌شده پنهانی^۱، X برداری از عوامل مؤثر، β بردار پارامترها و ε_{ch} جزء خطاست. جزء μ_c نشان‌دهنده اثرات ثابت یا تصادفی هر خوشه و H تعداد خانوار در خوشه c ام است. با توجه به متغیرهای موردبررسی در پژوهش حاضر، رابطه (۱) به صورت زیر بازنویسی می‌شود:

$$y_{ch}^* = \mu_c + \beta_1 \text{Gender}_{ch} + \beta_2 \text{Age}_{ch} + \beta_3 \text{Age}_{ch}^2 + \beta_4 \text{Education}_{ch} + \beta_5 \text{Married}_{ch} + \beta_6 \text{Familysize}_{ch} + \varepsilon_{ch} \quad (2)$$

در روابط (۱) و (۲) y_{ch}^* ، به‌عنوان متغیر وابسته (فقر خانوار) است که به سبب کیفی بودن به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P(y_{ch} = 1) = P(y_{ch}^* > 0) = F(\mu_c + x'_{ch}\beta) \quad (3)$$

x_{ch} هزینه خانوار h ام در خوشه c ام است. با توجه به این الگو x_{ch} مشاهده نمی‌گردد مگر آن که y و بردار ویژگی‌های x مشاهده شود (راوالیون^۲، ۱۹۹۶؛ به نقل از غضنفری اقدام و علمی، ۱۳۹۸). متغیرهای توضیحی در رابطه (۲) شامل ویژگی‌های اجتماعی سرپرستان خانوارها عبارت است از:

Gender نشان‌دهنده جنسیت سرپرست خانوار، یک متغیر کیفی دوحالتی است که مرد بودن سرپرست را با کد یک و زن بودن سرپرست را با کد صفر نمایش می‌دهد. *Age* نشان‌دهنده سن سرپرست خانوار است که یک متغیر کمی است و Age^2 یک متغیر کمی و نشان‌دهنده مجذور سن سرپرست خانوار است. *Education*

¹ Observed Latent Variable

² Ravalion

نشان‌دهنده‌ی میزان تحصیلات سرپرست خانوار، یک متغیر کیفی ترتیبی است که به صورت بی‌سواد کد یک، تحصیلات ابتدایی کد دو، تحصیلات متوسطه کد سه، تحصیلات دیپلم کد چهار، تحصیلات کاردانی و کارشناسی کد پنج و تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر با کد شش تعریف می‌شود. *Married* نشان‌دهنده‌ی وضعیت تأهل سرپرست خانوار و یک متغیر کیفی دوحالتی است که متأهل بودن سرپرست با کد یک و غیرمتأهل بودن سرپرست با کد صفر تعریف می‌شود. *Familysize* نشان‌دهنده‌ی بُعد خانوار است که متغیری کمی است. مطابق با ادبیات نظری پژوهش انتظار می‌رود جنسیت (مرد بودن)، سن و سطح تحصیلات بالاتر سرپرست سبب کاهش و مجذور سن سرپرست و بُعد خانوار سبب افزایش احتمال فقر خانوارها گردد. با توجه به این امر که منزل مسکونی تحت اختیار خانوارها شکلی از دارایی و ثروت آن‌ها محسوب می‌شود، در پژوهش حاضر بر اساس مساحت زیربنای محل سکونت خانوارها در هر استان، سه سطح ثروت تعریف شده است. رابطه (۲) به صورت جداگانه برای خانوارهای شهری موجود در هر یک از سطوح ثروت برآورد خواهد شد. طبق رابطه (۳)، $y_{ch} = 1$ معادل با فقیر بودن در نظر گرفته شده است. رابطه (۴) احتمال این که یک خانوار فقیر باشد را نشان می‌دهد:

$$P(y_{ch} = 1) = P(y_{ch}^* > 0) = F(\mu_c + X'_{ch}\beta) \quad (۴)$$

$F(0)$ تابع تجمعی جزء خطا است. مانند مدل‌های متعارف انتخاب گسسته^۱ اگر جزء خطا توزیع نرمال داشته باشد از مدل پروبیت داده‌های تابلویی و اگر توزیع لجستیکی داشته باشد از مدل لاجیت داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. در داده‌های تابلویی دو نوع تصریح اثرات ثابت و اثرات تصادفی کاربرد دارد. در تصریح اثرات ثابت، پارامترهای μ_c و β برآورد می‌شود ولی این تصریح نامناسب است. نخست به دلیل این که تصریح اثرات ثابت در مدل‌های غیرخطی از لحاظ آماری مشکل‌ساز است. در واقع وقتی تعداد خوشه‌ها زیاد می‌شود، تعداد μ_c ها افزایش خواهد یافت درحالی که h_c کم می‌شود. دوم به دلیل این که برآورد پارامترهای μ_c و β مجزا نیست و در نتیجه مشکل ناهمگرایی برآوردهای μ_c می‌تواند به برآوردی ناهمگرا از β منجر شود. همچنین باید گفت در سطح عملی، تصریح اثرات ثابت در مدل‌های غیرخطی کاستی‌هایی دارد که می‌توان به

^۱ Discrete Choice Models

مشخص نبودن اثر متغیرهای ثابت در خوشه (ماه بررسی، منطقه و ...) و امکان از دست رفتن اطلاعات در برآورد پارامترهای β اشاره کرد. با توجه به دلایل گفته شده μ_c باید متغیر تصادفی در نظر گرفته شود و لذا جزء خطا برای $\eta_{ch} = \mu_c + \varepsilon_{ch}$ خواهد بود. فرض می‌شود این شکل خاص μ_c متغیری تصادفی بوده و ضمناً استقلال متغیرهای توضیحی X از اجزای پسماند ε_{ch} ، دارای توزیع نرمال به صورت زیر است (قزوانی و گواید، ۲۰۰۱).

$$\mu_c \sim N(0, \sigma_h^2) \quad (5)$$

بر همین اساس، احتمال این که یک خانوار فقیر باشد برابر است با:

$$P = (y_{ch} = \frac{1}{\mu_c}) = \Phi \left(\frac{X'_{ch}\beta}{\sigma_\varepsilon} + \frac{\mu_c}{\sigma_\mu} \left(\frac{\rho}{1-\rho} \right)^{1/2} \right) \quad (6)$$

$\Phi(0)$ تابع توزیع تجمعی نرمال استاندارد است. ρ ضریب همبستگی جملات پسماند دو خانوار از یک خوشه است. به نحوی که اگر $\rho < 1$ باشد؛ آنگاه $\rho = \frac{\sigma_\mu^2}{\sigma_\mu^2 + \sigma_\varepsilon^2}$ بوده و اگر $\rho = 0$ باشد؛ آنگاه عدم وجود اثر تصریح انفرادی برای خوشه‌ها یا یک پروبیت ساده وجود خواهد داشت. در مدل‌های انتخاب گسسته (لاجیت و پروبیت) به دلیل غیرخطی بودن، روش برآورد با استفاده از تابع درست‌نمایی است. با فرض استقلال خوشه‌ها تابع درست‌نمایی برای کل نمونه به صورت زیر است:

$$L = \prod_{c=1}^C \int_{-\infty}^{+\infty} \prod_{h=1}^{H_c} \phi \left(\left(\frac{X'_{ch}\beta}{\sigma_\varepsilon} + \frac{\mu_c}{\sigma_\mu} \left(\frac{\rho}{1-\rho} \right)^{1/2} \right) (2y_{ch} - 1) \right) \phi \left(\frac{\mu_c}{\sigma_\mu} \right) d \left(\frac{\mu_c}{\sigma_\mu} \right) \quad (7)$$

$\phi(0)$ تابع توزیع چگالی نرمال استاندارد است. تخمین این تابع به‌طور کلی مشکل است. به همین دلیل بالتر و موفیت^۲ (۱۹۸۲) مدلی را ارائه دادند که در آن β یک فرآیند کارا و همگرا برای تخمین پارامترهای β است. به نحوی که بر اساس آن تابع درست‌نمایی به صورت زیر تقریب زده می‌شود (قزوانی و گواید، ۲۰۰۱، ص. ۱۵):

$$L \approx \prod_{c=1}^C \frac{1}{\sqrt{\pi}} \left(\sum_{j=1}^J \omega_j \prod_{h=1}^{H_c} \phi \left(\left(\frac{X'_{ch}\beta}{\sigma_\varepsilon} + \frac{\mu_c^j}{\sigma_\mu^j} \left(\frac{\rho}{2(1-\rho)} \right)^{1/2} \right) (2y_{ch} - 1) \right) \right) \quad (8)$$

آزمون نسبت درست‌نمایی مقایسه میان دو نوع تصریح با اثرات تصادفی ($\rho < 1$) و حالت ساده ($\rho = 0$) را نشان می‌دهد که آماره این آزمون به صورت زیر است:

$$LR = 2(\log L_{NC} - \log L_C) \sim \chi^2_{(1)} \quad (9)$$

² Ghazouani and Goaid

² Bulter and Mofit

L_{NC} نشان‌دهنده نسبت درست‌نمایی مدل اثرات تصادفی و L_C نشان‌دهنده نسبت درست‌نمایی مدل مقید (مدل ساده لاجیت یا پروبیت) است. رد فرضیه H_0 به مفهوم پذیرش مدل اثرات تصادفی است. آزمون دیگر توسط آماره والد ارائه شده است. به‌نحوی که تحت فرضیه H_0 تمام پارامترها به‌جز عرض از مبدأ برابر با صفر می‌باشد. آماره این آزمون به شکل زیر است:

$$W = \hat{\beta}' (\hat{V}(\hat{\beta}))^{-1} \hat{\beta} \rightarrow \chi^2_{(k-1)} \quad (10)$$

$\hat{V}(\hat{\beta})$ ماتریس واریانس کوواریانس بردار برآوردی $\hat{\beta}$ است. رد فرضیه H_0 به مفهوم معناداری کل رگرسیون است (قزوانی و گواید، ۲۰۰۱ و غضنفری اقدم و علمی، ۱۳۹۸). ارتباط بین یک متغیر توضیحی خاص و پیامد احتمالی انتخاب گزینه موردنظر یا $P(Y_i = 1)$ ، به کمک اثر نهایی^۱ که به‌صورت تغییر جزئی در احتمال انتخاب ارزش یک، به ازای تغییر در متغیر توضیحی موردنظر تعریف می‌شود، تفسیر می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر اثر نهایی همان مشتق تابع برآورد شده نسبت به هر کدام از متغیرهای توضیحی در یک نقطه معین است. اثر نهایی متغیر توضیحی پیوسته x_k بر احتمال رخ دادن گزینه $y_i = 1$ به‌شرط ثبات سایر متغیرها، از رابطه زیر به دست می‌آید (نجفی و شوشتریان^۲، ۱۳۸۶):

$$\frac{\partial P_1}{\partial x_{ik}} = \Phi(x' \beta) \beta_k \quad (11)$$

۲-۳- توصیف داده‌ها

✓ فقر

در پژوهش حاضر جهت تفکیک خانوارهای فقیر از غیر فقیر، از خط فقر استفاده شده است. مطابق با مطالعه خداداد کاشی و همکاران^۳ (۱۳۸۴)، یکی از روش‌های محاسبه‌ی خط فقر بر اساس روش ۶۶ درصد میانگین مخارج سرانه خانوار است (همان) که در این مطالعه این محاسبه به‌صورت استانی انجام می‌شود. در این پژوهش، ابتدا سرانه‌ی هزینه در هر خانوار محاسبه، سپس ۶۶ درصد میانگین این هزینه برای تمامی خانوارهای شهری واقع در هر استان تعیین می‌شود و در پایان چهار برابر این رقم به‌عنوان خط فقر یک خانوار چهار نفره محسوب می‌شود. لذا خانوارهایی که سرانه‌ی هزینه‌شان از خط فقر

¹ Marginal Effect

² Najafi & Shoushtarian (2007)

³ Khodadad Kashi et al. (2005)

پایین‌تر باشد، فقیر محسوب شده و در غیر این صورت غیر فقیرند. نتیجه محاسبات این پژوهش نشان می‌دهد برای ۱۹۳۰۶ خانوار شهری موجود در طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد در سال ۱۳۹۹، خط فقر در کل کشور به صورت ماهانه برای خانوارهای به طور متوسط چهار نفره ۳۸۵۳۰۰۰ تومان است. مطابق خط فقر محاسباتی، لازم است تا هزینه‌ی خانوار چهار نفره در مناطق شهری ماهانه حداقل ۳۸۵۳۰۰۰ تومان باشد تا فقیر محسوب نشود. همچنین نتایج نشان می‌دهد ۴۱/۴ درصد از خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۹ فقیر بوده‌اند. جدول (۱) خط فقر خانوارهای چهارنفره و درصد خانوارهای فقیر را به تفکیک استان‌ها در مناطق شهری نشان می‌دهد. بر اساس جدول (۱)، بالاترین خط فقر ماهانه در مناطق شهری با رقمی معادل ۷۳۳۸۰۰۰ تومان مربوط به استان تهران است. پس از استان تهران، بالاترین خط فقر ماهانه به ترتیب در مناطق شهری استان‌های البرز و مازندران (بیش از ۵۵۰۰۰۰۰ تومان) محاسبه شده است. پایین‌ترین خط فقر ماهانه در مناطق شهری مربوط به استان سیستان و بلوچستان با رقمی معادل ۲۱۸۸۰۰۰ تومان است. از این منظر استان‌های کرمان و خراسان شمالی در رتبه‌های بعدی جای می‌گیرند. بر اساس خط فقر محاسباتی در پژوهش حاضر، بیشترین میزان خانوارهای فقیر از میان ۳۱ استان کشور، مربوط به استان سیستان و بلوچستان (۵۰/۱ درصد از خانوارها) است. استان‌های تهران و همدان به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. به طور کلی درصد خانوارهای فقیر در ۶ استان کشور، بیش از درصد خانوارهای فقیر در کل کشور (۴۱/۴ درصد) است. همچنین کمترین درصد خانوارهای فقیر به ترتیب در استان‌های قزوین، کرمانشاه و اردبیل (بیش از ۲۹/۸ درصد) واقع شده‌اند.

جدول (۱): خط فقر خانوار ۴ نفره و درصد فقرا در مناطق شهری به تفکیک استان

استان	خط فقر (تومان، ماهانه)	خانوارهای فقیر (درصد)	استان	خط فقر (تومان، ماهانه)	خانوارهای فقیر (درصد)
آذربایجان شرقی	۳۴۶۵۰۰۰	۴۲/۳	فارس	۳۹۱۶۰۰۰	۳۷
آذربایجان غربی	۲۸۷۱۰۰۰	۳۶/۵	قزوین	۳۵۶۸۰۰۰	۲۹/۸
اردبیل	۲۸۸۸۰۰۰	۳۱/۵	قم	۳۵۵۲۰۰۰	۳۸/۴
اصفهان	۴۴۲۴۰۰۰	۳۴/۲	کردستان	۳۷۴۰۰۰۰	۳۸/۳
البرز	۵۶۲۴۰۰۰	۳۳/۴	کرمان	۲۴۹۸۰۰۰	۳۳/۲
ایلام	۳۱۲۵۰۰۰	۳۴/۸	کرمانشاه	۳۵۱۸۰۰۰	۳۰/۴
بوشهر	۳۸۶۳۰۰۰	۳۲/۵	سمنان	۳۱۸۱۰۰۰	۴۱/۱
تهران	۷۳۳۸۰۰۰	۴۳/۹	گلستان	۳۴۱۸۰۰۰	۴۲/۶
چهارمحال و بختیاری	۲۵۹۲۰۰۰	۳۴/۶	گیلان	۴۵۷۹۰۰۰	۳۸/۱
خراسان جنوبی	۲۹۱۶۰۰۰	۳۴/۶	لرستان	۳۳۱۴۰۰۰	۳۵/۸

۳۸/۷	۵۵۶۰۰۰۰	مازندران	۳۷/۶	۳۶۴۳۰۰۰	خراسان رضوی
۳۴/۱	۴۱۶۳۰۰۰	مرکزی	۳۹/۱	۲۶۰۷۰۰۰	خراسان شمالی
۴۰/۸	۳۱۹۹۰۰۰	هرمزگان	۴۱/۸	۳۴۵۸۰۰۰	خوزستان
۴۳/۱	۳۸۰۹۰۰۰	همدان	۳۸/۷	۴۰۰۵۰۰۰	زنجان
۳۷/۲	۳۷۵۱۰۰۰	یزد	۳۴/۱	۳۳۴۷۰۰۰	کهگیلویه و بویراحمد
			۵۰/۱	۲۱۸۸۰۰۰	سیستان و بلوچستان

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس طرح هزینه و درآمد خانوارها سال ۱۳۹۹

✓ سطوح ثروت

در پژوهش حاضر با استفاده از عامل محل زندگی خانوارها که به نوعی گویای سطحی از رفاه آنهاست؛ جامعه‌ی آماری مورد استفاده، با محاسبه‌ی جداگانه‌ی میانگین سطح زیربنای متوسط در هر استان به سه سطح متفاوت ثروت غیرمنقول تقسیم‌بندی می‌شود. بدین توضیح که خانوارهای صاحب‌خانه، اجاره‌نشین و رهن‌نشینی که متر از سطح زیربنای آنها کمتر از ۰/۷۵ میانگین باشد و همچنین خانوارهایی که در برابر خدمت و یا به صورت رایگان در محل زندگی‌شان سکونت دارند در سطح اول ثروت قرار می‌گیرند. خانوارهای صاحب‌خانه، مستأجر و رهن‌نشینی که متر از سطح زیربنای منزلشان مابین ۰/۷۵ میانگین سطح زیربنای استانی‌شان و ۱/۲۵ برابر آن قرار دارد در سطح دوم ثروت و در انتها افرادی که در منازل بیش از ۱/۲۵ برابر سطح زیربنای میانگین استانی‌شان سکونت دارند، سطح سوم ثروت را تشکیل داده‌اند. بر این اساس هر یک از خانوارهای موجود در مناطق شهری در یکی از سه سطح ثروت جای گرفته‌اند. جدول (۲) درصد قرارگیری خانوارهای شهری در سطوح متفاوت ثروت را به تفکیک ۳۱ استان کشور نشان می‌دهد.

جدول (۲) وضعیت سطح ثروت خانوارها در مناطق شهری به تفکیک استان (درصد)

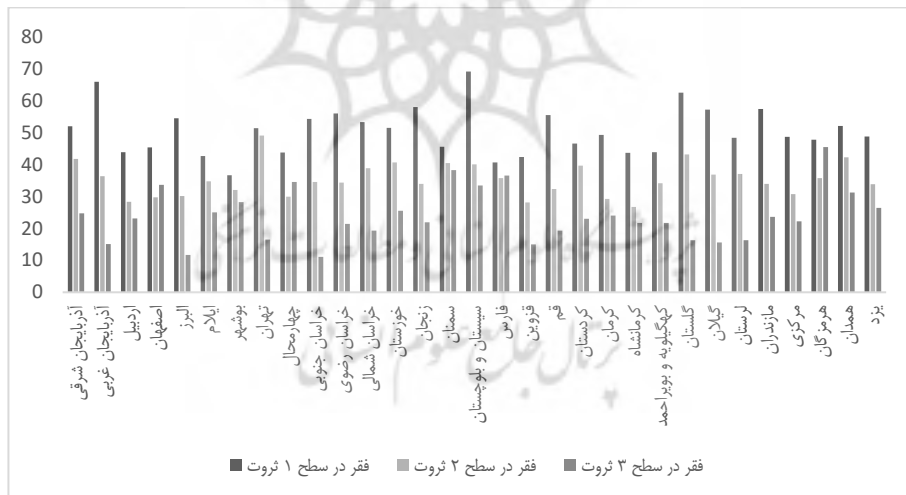
استان	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳	استان	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳
آذربایجان شرقی	۳۰/۳	۵۴/۷	۱۵/۱	فارس	۲۲/۹	۶۲/۸	۱۴/۲
آذربایجان غربی	۹	۷۹/۴	۱۱/۶	قزوین	۲۴/۸	۶۱	۱۴/۳
اردبیل	۲۴/۷	۶۳/۱	۱۲/۲	قم	۳۵/۱	۴۹	۱۵/۸
اصفهان	۲۴/۷	۶۰/۵	۱۴/۸	کردستان	۲۴/۸	۵۶/۸	۱۸/۳
البرز	۲۴/۵	۶۱	۱۴/۵	کرمان	۲۴/۵	۵۷/۱	۱۸/۴
ایلام	۱۳/۲	۷۶/۵	۱۰/۴	کرمانشاه	۲۸/۶	۴۸/۱	۲۳/۳
بوشهر	۲۹/۲	۴۷	۲۳/۸	سمنان	۲۱/۳	۵۹/۹	۱۸/۸
تهران	۳۵/۴	۴۶	۱۸/۶	گلستان	۲۸/۵	۴۸/۸	۲۲/۸
چهارمحال و بختیاری	۲۶/۳	۵۱/۴	۲۲/۳	گیلان	۱۸/۱	۷۰/۸	۱۱/۱
خراسان جنوبی	۲۳/۴	۵۷/۳	۱۹/۳	لرستان	۲۷	۵۲/۳	۲۰/۷
خراسان رضوی	۲۴/۷	۵۸/۸	۱۶/۵	مازندران	۲۵/۸	۶۱/۱	۱۳/۱

۱۳/۸	۶۱	۲۵/۲	مرکزی	۱۶/۳	۵۹/۷	۲۳/۹	خراسان شمالی
۲۰/۵	۵۳/۷	۲۵/۸	هرمزگان	۱۶/۶	۴۹/۶	۳۳/۸	خوزستان
۲۱/۵	۴۵/۵	۳۳	همدان	۲۲/۵	۴۶/۵	۳۰/۹	زنجان
۱۹/۸	۴۸	۳۲/۲	یزد	۱۲/۹	۷۰/۵	۱۶/۶	کهگیلویه و بویراحمد
۱۸/۱	۵۵	۲۶/۹	متوسط کشوری	۳۲/۴	۲۵/۸	۴۱/۸	سیستان و بلوچستان

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس طرح هزینه و درآمد خانوارها سال ۱۳۹۹

بر اساس جدول (۲)، به غیر از استان سیستان و بلوچستان در باقی استان‌ها بیش از ۴۵ درصد از خانوارهای موردبررسی در سطح دوم ثروت قرار گرفته‌اند. همچنین استان آذربایجان غربی کمترین پراکندگی را در مقوله‌ی ثروت دارا است به طوری که ۷۹/۴ درصد از خانوارهای موردبررسی در این استان در سطح دوم ثروت قرار دارند. به استثنای استان سیستان و بلوچستان در سایر استان‌ها سطح سوم ثروت کمترین درصد از خانوارها را نسبت به سایر سطوح ثروت در خود جای داده است.

نمودار (۱)، درصد خانوارهای شهری فقیر را در هر یک از سطوح ثروت به تفکیک استان‌ها در سال ۱۳۹۹ نمایش می‌دهد. محاسبات نشان می‌دهد که در اغلب استان‌های کشور (۲۸ استان)، بیشترین درصد خانوارهای فقیر در سطح اول ثروت و کمترین این میزان در سطح سوم ثروت قرار گرفته‌اند.



نمودار (۱): خانوارهای فقیر در هر سطح ثروت (درصد)

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس طرح هزینه و درآمد خانوارها سال ۱۳۹۹

۴- برآورد الگو و ارائه نتایج

جدول (۳) نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش را برای خانوارهای شهری موجود در سه سطح ثروت نشان می‌دهد. در هر سه برآورد، طبق آماره آزمون والد، معناداری کل رگرسیون تأیید و بر اساس آماره آزمون نسبت درست‌نمایی، استفاده از مدل لاجیت داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود.

مطابق با جدول (۳) نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش نشان می‌دهد در سطح اول ثروت، جنسیت سرپرست خانوار (مرد بودن) بر احتمال فقر خانوار اثر معکوس دارد. اثر نهایی نشان می‌دهد که احتمال فقر در خانوارهای با سرپرست مرد نسبت به خانوارهای با سرپرست زن، به میزان ۷ درصد کمتر است. این نتیجه برای سطح دوم ثروت نیز برقرار است، با این تفاوت که مرد بودن سرپرست خانوار در سطح دوم ثروت به میزان ۹ درصد احتمال فقر را نسبت به خانوارهای زن سرپرست کاهش می‌دهد. برآورد الگوی پژوهش در سطح سوم ثروت نشان می‌دهد جنسیت سرپرست، اثر معناداری بر احتمال فقر خانوار ندارد. بدین معنا که مرد یا زن بودن سرپرست خانواری که در گروه ثروتمند واقع می‌شود ارتباطی با احتمال فقیر بودن آن خانوار ندارد.

در سطوح اول، دوم و سوم ثروت، سن سرپرست اثر منفی و مجذور سن سرپرست اثر مثبت بر احتمال فقر خانوار دارد که نشان‌دهنده رابطه U شکل میان سن سرپرست خانوار و احتمال فقر خانوار می‌باشد. ضرایب برآوردی سن و مجذور سن بیانگر این موضوع است که با افزایش سن سرپرست، احتمال فقر خانوار رو به کاهش می‌گذارد تا اینکه در سنین ۶۷/۵، ۶۸/۵ و ۶۹/۵ سالگی سرپرست، به ترتیب در سطوح اول، دوم و سوم ثروت احتمال فقر به کمترین میزان خود می‌رسد و پس از این سنین، روند افزایش در احتمال فقر بر اثر افزایش در سن سرپرست آغاز می‌شود.

جدول (۳): نتایج برآورد در سطوح اول، دوم و سوم ثروت با اثرات تصادفی

متغیرهای توضیحی						الگوی پژوهش	
بعد خانوار	تاهل سرپرست	تحصیلات سرپرست	مجذور سن سرپرست	سن سرپرست	جنسیت سرپرست	ضریب	سطح ۱ ثروت
۰/۶۷	۰/۲۳	-۰/۶۵	۰/۰۰۰۶	-۰/۰۸	-۰/۲۸	احتمال	
۰/۰۰۰	۰/۱۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۶۱	اثر نهایی	
۰/۱۷	۰/۰۶	-۰/۱۶	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۲	-۰/۰۷		
Log likelihood = -۳۰۱۳/۵۹				Statistic W = ۷۹۷/۹۲			
Statistic LR = ۵۳/۹۹				Number of obs = ۵۱۹۵			
۰/۷۳	۰/۲۵	-۰/۹۳	۰/۰۰۰۸	-۰/۱۱	-۰/۳۹	ضریب	سطح ۲ ثروت
۰/۰۰۰	۰/۰۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	احتمال	

فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد/ سال نهم/ شماره ۳/ پاییز ۱۴۰۱						
۰/۱۶	۰/۰۵	-۰/۱۴	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۲	-۰/۰۹	اثر نهایی
Log likelihood = -۵۶۹۸/۹۱				Statistic W = ۱۶۹۳/۰۲		
Statistic LR = ۲۱۶/۵۱				Number of obs = ۱۰۶۲۱		
۰/۵۶	۰/۳۳	-۰/۶۲	۰/۰۰۰۸	-۰/۱۱	-۰/۱۲	ضریب
۰/۰۰۰	۰/۲۴۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۷	احتمال
۰/۰۹	۰/۰۵	-۰/۱	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۲	-۰/۰۲	اثر نهایی
Log likelihood = -۱۵۷۵/۰۲				Statistic W = ۴۷۹/۷۹		
Statistic LR = ۳۷/۸				Number of obs = ۳۴۹۰		

معناداری ضرایب در سطح اطمینان ۹۰ درصد است. منبع: محاسبات پژوهش

تحصیلات سرپرست خانوار اثر معکوس بر احتمال فقر خانوار دارد. طبق اثر نهایی، افزایش در سطح تحصیلات، احتمال فقر خانوار را به میزان ۱۶ درصد در سطح اول، ۱۴ درصد در سطح دوم و ۱۰ درصد در سطح سوم ثروت کاهش می‌دهد. این امر بدان معنا است که افزایش سطح تحصیلات در رده‌های پایینی و میانی ثروت تأثیر بسزایی در کاهش احتمال فقر خانوارها نسبت به اثر مشابه در رده‌ی بالایی ثروت دارد.

وضعیت تأهل سرپرست خانوار تحت الگوی اول پژوهش، اثر معناداری بر احتمال فقر خانوار ندارد. بدین معنا که تفاوت معناداری میان متأهل بودن یا نبودن سرپرست خانوار شهری واقع در سطح اول ثروت، در ارتباط با احتمال فقیر بودن آن‌ها وجود ندارد. این نتیجه برای الگوی پژوهش در سطح سوم ثروت نیز برقرار است. اما در سطح دوم ثروت، متأهل بودن سرپرست بر احتمال فقر خانوار اثر مستقیم دارد. بر اساس اثر نهایی، تأهل سرپرست خانوار به میزان ۵ درصد بر احتمال فقر خانوار می‌افزاید.

بعد خانوار اثر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد به نحوی که در ازای اضافه شدن هر نفر به اعضای خانوار واقع در سطوح اول، دوم و سوم ثروت به ترتیب، ۱۷، ۱۶ و ۹ درصد بر احتمال فقر خانوار افزوده می‌گردد. این امر نشان‌دهنده آن است که با افزایش سطح ثروت خانوارها از شدت اثرگذاری مستقیم بعد خانوار بر احتمال فقر خانوار کاسته می‌شود.

✓ مقایسه ضرایب برآوردی میان الگوی اول و دوم پژوهش

این قسمت در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا اساساً تفاوت معناداری در ضرایب برآوردی متغیرهای مشابه در الگوی اول و دوم وجود دارد یا خیر؟ به عبارتی دیگر آیا اندازه اثرپذیری احتمال فقر خانوار از متغیری معین در رده‌ی پایینی ثروت، از نظر آماری متفاوت از رده‌ی میانی ثروت است یا خیر؟ برای این منظور از آزمون تفاضل میانگین استفاده شده است. از آنجایی که ضریب برآوردی متغیر تأهل تحت الگوی اول پژوهش اثر معناداری بر احتمال فقر خانوارهای واقع در سطح اول ثروت ندارد، آزمون

تفاضل میانگین برای این متغیر انجام نمی‌شود. بنا بر توضیحات ارائه‌شده، مطابق با جدول (۴) که نتایج حاصل از آزمون تفاضل ضرایب میان الگوی اول و دوم پژوهش در آن گزارش شده، ضرایب برآوردی کلیه متغیرها در سطح میانی ثروت تفاوت معناداری از سطح پایین ثروت در فاصله اطمینان ۹۹ درصد دارد. نتایج این مقایسه نشان می‌دهد اثرگذاری جنسیت (مرد بودن) سرپرست خانوار در کاهش احتمال فقر خانوار در سطح دوم ثروت بیش از سطح اول ثروت است. بدین‌صورت که مرد بودن سرپرست خانوار در رده میانی ثروت نسبت به مرد بودن خانوار در رده پایینی ثروت به میزان بیشتری (۱/۷ درصد) از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. اثر افزایش سن سرپرست خانوار بر کاهش احتمال فقر خانوار در سطح دوم ثروت بیش از سطح اول ثروت است. به‌نحوی که افزایش سن سرپرست در رده میانی ثروت نسبت به رده پایینی ثروت به میزان بیشتری (۰/۴ درصد) از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. ارتقای سطوح تحصیلی سرپرست خانوار در سطح اول ثروت بیشتر از سطح دوم ثروت در کاهش احتمال فقر خانوار مؤثر است. بدین توضیح که افزایش هر سطح تحصیلی سرپرست در رده پایینی ثروت نسبت به رده میانی به میزان بیشتری (۲/۷ درصد) از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. بعد خانوار در سطح اول ثروت نسبت به سطح دوم به میزان بیشتری بر احتمال فقر خانوار می‌افزاید. بدین نحو که با افزوده شدن یک نفر به اعضای خانوار در رده پایینی ثروت نسبت به رده میانی ثروت به میزان بیشتری (۱/۱ درصد) بر احتمال فقر خانوارها افزوده می‌گردد.

جدول (۴): مقایسه برآوردی در سطوح اول و دوم ثروت

متغیرها	سطح دوم		سطح اول		تفاضل ضرایب سطح دوم از سطح اول	آماره t محاسباتی در تفاضل ضرایب دو سطح
	اثر نهایی	انحراف معیار	اثر نهایی	انحراف معیار		
جنسیت	-۰/۰۹	۰/۰۳۲	-۰/۰۷	۰/۰۳۷	۰/۰۱۷	۲۷/۸
سن	-۰/۰۲	۰/۰۰۲	-۰/۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۷۲/۲
تحصیلات	-۰/۱۴	۰/۰۰۶	-۰/۱۶	۰/۰۰۸	-۰/۰۲۷	-۲۲۶/۸
بعد خانوار	۰/۱۶	۰/۰۰۶	۰/۱۷	۰/۰۰۹	-۰/۰۱۱	-۸۰/۵

منبع: یافته‌های پژوهش

✓ مقایسه ضرایب برآوردی میان الگوی دوم و سوم پژوهش

جهت مقایسه ضرایب برآورد شده‌ی متغیرهای مشابه در الگوی دوم و سوم از پژوهش حاضر، جدول (۵) ترتیب داده‌شده است. با توجه به این موضوع که ضریب برآوردی

متغیرهای جنسیت و تأهل تحت الگوی سوم پژوهش اثر معناداری بر احتمال فقر خانوارهای واقع در این سطح از ثروت ندارد، آزمون تفاضل میانگین برای این متغیرها انجام نمی‌شود. مطابق با جدول (۵)، ضرایب برآوردی کلیه متغیرها در سطح دوم ثروت تفاوت معناداری از سطح سوم ثروت در فاصله اطمینان ۹۹ درصد دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر افزایش سن سرپرست خانوار بر کاهش احتمال فقر خانوار در سطح دوم ثروت بیش از سطح سوم ثروت است. به‌نحوی که افزایش سن سرپرست در رده میانی ثروت نسبت به رده بالایی ثروت به میزان بیشتری (۰/۷ درصد) از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. ارتقای سطوح تحصیلی سرپرست خانوار در سطح دوم ثروت بیشتر از سطح سوم ثروت در کاهش احتمال فقر خانوار مؤثر است. بدین توضیح که افزایش هر سطح تحصیلی سرپرست در رده میانی ثروت نسبت به رده بالایی به میزان بیشتری (۴ درصد) از احتمال فقر خانوار می‌کاهد. بعد خانوار در سطح دوم ثروت نسبت به سطح سوم به میزان بیشتری بر احتمال فقر خانوار می‌افزاید. بدین نحو که با افزوده شدن یک نفر به اعضای خانوار در رده میانی ثروت نسبت به رده بالایی ثروت به میزان بیشتری (۷ درصد) بر احتمال فقر خانوارها افزوده می‌گردد.

جدول (۵): مقایسه ضرایب در سطوح دوم و سوم ثروت

متغیرها	سطح دوم		سطح سوم		تفاضل ضرایب سطح دوم از سطح سوم	آماره t محاسباتی در تفاضل ضرایب دو سطح
	اثر نهایی	انحراف معیار	اثر نهایی	انحراف معیار		
سن	-۰/۰۲	۰/۰۰۲	-۰/۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۱۰۳/۷
تحصیلات	-۰/۱۴	۰/۰۰۶	-۰/۱	۰/۰۰۷	۰/۰۴	۳۰۲/۷
بعدخانوار	۰/۱۶	۰/۰۰۶	۰/۰۹	۰/۰۰۷	۰/۰۷	۵۲۹/۳

منبع: یافته‌های پژوهش

۵- نتیجه‌گیری

در جوامع امروزی یکی از عوامل مهمی که از توسعه‌یافتگی جلوگیری می‌کند فقر خانوار است. تا زمانی که خانوار نتواند از درآمد خود بخش قابل‌توجهی را به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اختصاص دهد چرخه اقتصاد به‌خوبی نمی‌چرخد. فقر نه‌تنها از ابعاد اقتصادی مخرب است بلکه از ابعاد اجتماعی نیز اثرهای نامطلوبی برای جامعه به همراه دارد. بنابراین شناسایی و بررسی عوامل مؤثر بر فقر حائز اهمیت است. همچنین این امکان وجود دارد با توجه به سطح ثروت خانوارها، نوع اثر عوامل و شدت تأثیرگذاری آن‌ها بر فقر متفاوت باشد. از این‌رو پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر احتمال فقر

خانوارها با توجه به سطح ثروت غیرمنقول آن‌ها پرداخته است. در ابتدا، با پردازش بر ریز داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۹، خط فقر به صورت کشوری و استانی بر پایه روش ۶۶ درصد میانگین سرانه مخارج خانوار محاسبه شد و خانوارهای فقیر از غیر فقیر تفکیک شدند. با توجه به محاسبات پژوهش، خط فقر ماهانه برای خانوارهای چهار نفره در مناطق شهری ۳۸۵۳۰۰۰ تومان است. بر اساس خط فقر محاسباتی در کل کشور، ۴۱/۴ درصد از خانوارهای شهری در زیر خط فقر قرار گرفته و فقیر محسوب می‌شوند. علاوه بر این بالاترین و پایین‌ترین خط فقر محاسباتی به تفکیک استان‌ها به صورت ماهانه برای خانوارهای چهار نفره شهری، به ترتیب مربوط به استان‌های تهران و سیستان و بلوچستان است. همچنین در مناطق شهری، استان‌های سیستان و بلوچستان و قزوین به ترتیب بیشترین و کمترین درصد فقرا را به خود اختصاص داده‌اند. در مرحله بعد، با توجه به مساحت منزل مسکونی تحت اختیار خانوارها، سه سطح از ثروت تعریف شد و براین اساس خانوارهای موجود در نمونه در یکی از سطوح پایینی، میانی و بالایی ثروت جای گرفتند و میزان فقر در هر یک از این سطوح محاسبه شد. یافته‌ها نشان داد به غیر از استان سیستان و بلوچستان در باقی استان‌ها سطح دوم ثروت بیشترین میزان از خانوارها را در خود جای داده است. همچنین در اغلب استان‌های کشور با حرکت از سطح اول ثروت به سطح سوم، از شمار فقرا کاسته می‌شود. در پایان، الگوی پژوهش در سه قالب جداگانه با متغیر وابسته‌ی محدود بر مبنای داده‌های شبه تابلویی و به روش اثرات تصادفی در رگرسیون لجستیک برای ۵۱۹۵ خانوار واقع در سطح اول، ۱۰۶۲۱ خانوار واقع در سطح دوم و ۳۴۹۰ خانوار شهری واقع در سطح سوم ثروت (در ۳۱ استان کشور به عنوان مقاطع) برآورد شد. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش در سطوح اول، دوم و سوم ثروت، حاکی از آن است که سن و مجذور سن سرپرست خانوار، به ترتیب اثر منفی و مثبت بر احتمال فقر خانوار دارد که این مورد نشان از U شکل بودن اثر این متغیر دارد. بدین ترتیب که با افزایش سن سرپرست از احتمال فقر خانوار کاسته شده و با قرارگیری سرپرست در دوره کهولت سن، بر احتمال فقر خانوار افزوده می‌گردد. با این تفاوت که سرپرست خانوار واقع در سطوح اول تا سوم ثروت، با افزایش سن به ترتیب با یک سال اختلاف در سن، به کمینه احتمال فقر خود می‌رسد. این نتیجه با یافته‌های مطالعات سخامپو (۲۰۱۳) و لکوبانه و سلکا (۲۰۱۷) همخوانی دارد. برای خانوارهای شهری واقع در سطوح اول تا سوم ثروت، تحصیلات سرپرست خانوار اثر معکوس بر احتمال فقر خانوار دارد. به نحوی که، با افزایش هر سطح تحصیلات سرپرست خانوار، از احتمال فقر خانوار کاسته می‌گردد. با این تفاوت

که افزایش در سطح تحصیلات در رده‌های پایینی و میانی ثروت تأثیر بیشتری در کاهش احتمال فقر خانوارها نسبت به اثر مشابه در رده‌ی بالایی ثروت دارد. این نتیجه با مطالعات دسیلوا (۲۰۰۸) و آوان و همکاران (۲۰۱۱) هم‌راستا است. در الگوی اول تا سوم پژوهش، بُعد خانوار تأثیر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد. یعنی با اضافه شدن هر عضو خانوار بر احتمال فقر خانوار افزوده می‌گردد. اندازه اثرگذاری این متغیر بر احتمال فقر در سطوح مختلف ثروت نشان می‌دهد که با افزایش سطح ثروت خانوارها از شدت اثرگذاری مستقیم بُعد خانوار بر احتمال فقر خانوار کاسته می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات بریسو (۲۰۱۶) و آمرا و جمالی (۲۰۱۸) منطبق است. مرد بودن سرپرست خانوار تحت الگوی اول و دوم پژوهش تأثیر معکوس و متأهل بودن سرپرست در الگوی دوم پژوهش تأثیر مستقیم بر احتمال فقر خانوار دارد. این نتایج به ترتیب با مطالعات رودریگز (۲۰۲۱) و تانگ (۲۰۲۲) همخوانی دارد. ضمن اینکه ضریب برآوردی متغیر تأهل در الگوی اول و متغیرهای جنسیت و تأهل در الگوی سوم پژوهش، اثر معناداری بر احتمال فقر خانوار ندارد. نتایج حاصل از آزمون تفاضل میانگین میان سطوح اول و دوم ثروت نشان می‌دهد اثر مطلوب جنسیت (مرد بودن) و افزایش سن سرپرست بر کاهش احتمال فقر خانوار در رده میانی ثروت بیش از رده پایینی ثروت است. همچنین اثر مطلوب افزایش در سطح تحصیلات سرپرست و اثر نامطلوب افزایش بُعد خانوار، بر احتمال فقر در رده پایینی ثروت بیش از رده میانی ثروت است. مقایسه ضرایب برآوردی متغیرهای مشابه در سطوح دوم و سوم ثروت حکایت از آن دارد که تأثیر مطلوب افزایش سن و افزایش در سطح تحصیلات سرپرست بر کاهش احتمال فقر خانوار در سطح دوم ثروت بیش از سطح سوم ثروت است. علاوه بر این تأثیر نامطلوب افزایش بُعد خانوار بر افزایش احتمال فقر در سطح دوم بیش از سطح سوم ثروت است. با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش به سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌شود امکان تحصیل رایگان یا کم‌هزینه را به‌خصوص در مقاطع دانشگاهی برای خانوارهای موجود در سطوح پایینی ثروت فراهم کنند. همچنین در سیاست‌های مقابله با فقر به خانوارهای پرجمعیت به‌ویژه در پایین‌ترین سطح ثروت توجه بیشتری گردد. به‌علاوه در برنامه‌های فقرزدایی، امکانات و تسهیلاتی در اختیار سرپرستان بسیار جوان و سالخورده خانوارها با تمرکز بیشتر بر رده‌های پایینی ثروت قرار گیرد.

تضاد منافع

نویسندگان نبود تضاد منافع را اعلام می‌دارند.

فهرست منابع

۱. ابراهیم پور، سمانه و علمی، زهرا (۱۳۹۲). تعیین‌کننده‌های فقر خانوارهای شهری ایران در سال ۱۳۸۸ کاربرد مدل داده‌های تابلویی با متغیر وابسته محدود. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی- ایرانی)*، ۱۳(۴۹)، ۱۰۱-۱۱۶.
 ۲. حسن‌زاده، علی (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر فقر؛ مطالعه موردی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲(۵۴)، ۱۳۰-۱۸۴.
 ۳. خداداد کاشی، فرهاد، حیدری، خلیل و باقری، فریده (۱۳۸۴). برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۴(۱۷)، ۱۳۷-۱۶۳.
 ۴. زروکی، شهریار، یدالهی اطاقسرا، مستانه و یوسفی بارفروشی، آرمان (۱۳۹۹). اشتغال غیررسمی و فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۱(۴۲)، ۸۳-۱۱۷.
 ۵. عرب مازار، عباس و حسینی نژاد، مرتضی (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران. *جستارهای اقتصادی*، ۱۱(۱)، ۶۷-۹۴.
 ۶. علمی، زهرا و علی تبار، فهیمه (۱۳۹۱). اثر آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸. *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۲(۴۶)، ۱۰۹-۱۴۱.
 ۷. غضنفری اقدم، کمال و علمی، زهرا (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقیر در ایران (رویکرد داده‌های شبه تابلویی). *نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۱۱(۲۱)، ۲۵-۵۳.
 ۸. گریوانی، فاطمه، احمدی شادمهری، محمد طاهر و فلاحی، محمدعلی (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شهری استان خراسان شمالی با استفاده از الگوی توبیت. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۵(۲۰)، ۱۸۳-۲۰۲.
 ۹. محمد زاده، پرویز، فلاحی، فیروز و حکمتی فرید، صمد (۱۳۸۹). بررسی فقر و عوامل تعیین‌کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱(۲)، ۴۱-۶۴.
 ۱۰. نجفی، بهاء‌الدین و شوشتریان، آشان (۱۳۸۶). برآورد خط فقر و بررسی تعیین‌کننده‌های آن در خانوارهای روستایی و شهری ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۵(۵۹)، ۱-۲۴.
1. Amara, M., & Jemmali, H. (2018). Household and contextual indicators of poverty in Tunisia: A multilevel analysis. *Social Indicators Research*, 137(1), 113-138.
 2. Anyanwu, J. C. (2014). Marital status, household size and poverty in Nigeria: evidence from the 2009/2010 survey data. *African Development Review*, 26(1), 118-137.

3. Arab Mazar, A., & Hosseini Nejad, S. (2004). The influences in the poverty of rural working families in Iran. *Journal of economic essays*, 1(1), 67-94 (In Persian).
4. Awan, M. S., Malik, N., Sarwar, H., & Waqas, M. (2011). Impact of education on poverty reduction.
5. Berisso, O. (2016). Determinants of consumption expenditure and poverty dynamics in Urban Ethiopia: Evidence from panel data. *In Poverty and Well-Being in East Africa*, 139-164.
6. Bulter, J.S. & Moffit, R. (1982). A Computationally Efficient Quadrature Procedure for the One- Factor Multinomial Probit Model. *Econometrica*, 50, 761- 764.
7. Dartanto, T., & Nurkholis. (2013). the determinants of poverty dynamics in Indonesia: evidence from panel data. *Bulletin of Indonesian Economic Studies*, 49(1), 61-84.
8. De Silva, I. (2008), "Micro-level determinants of poverty reduction in Sri Lanka: a multivariate approach", *International Journal of Social Economics*, 35 (3), 140-158.
9. Ebrahim Pour, S., & Elmi, Z. (2013). Determinants of poverty in Iranian urban households in 2009: An application of panel data models with limited dependent variable. *Economic Research*, 13(49), 101-116 (In Persian).
10. Elmi, Z., & Alitabar, F. (2013). The effect of education and household size on poverty in urban areas of Iran (2005 and 2009). *Social Welfare Quarterly*, 12(46), 109-141 (In Persian).
11. Engle, P. L., & Black, M. M. (2008). The effect of poverty on child development and educational outcomes. *Annals of the New York Academy of Sciences*, 1136(1), 243-256.
12. Garza-Rodriguez, J., Ayala-Diaz, G. A., Coronado-Saucedo, G. G., Garza-Garza, E. G., & Ovando-Martinez, O. (2021). Determinants of poverty in Mexico: A quantile regression analysis. *Economies*, 9(2), 60.
13. Ghazanfari Aghdam, K., & Elmi, Z. (2019). Analysis of the Factors that Create Poverty in Iran through the Pseudo-Panel Data Approach. *The Journal of Economic Policy*, 11(21), 25-53 (In Persian).
14. Ghazouani, S., & Goaid, M. (2001, June). The Determinants of Urban and Rural Poverty in Tunisia. Economic Research Forum for the Arab Countries, Iran & Turkey.
15. Grivani, F., Ahmadi Shadmehri, M.T., & Falahi, M.A. (2014). Study factors affecting on absolute poverty of households in the urban Northern Khorasan using Tobit model. *Journal Urban - Regional Studies and Research*, 5(20), 183-202 (In Persian).
16. Hasan Zadeh, A. (2000). Analysis of structureal change in the Iranian economy. *Iranian Journal of Economic Research*, 2(4,5), 130-184 (In Persian).
17. Jayasinghe, M. (2019). Dynamic trends in household poverty and inequality in Sri Lanka: do gender and ethnicity matter?. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 24(2), 208-223.
18. Kavanagh, J. (2011). Selection, availability, and opportunity: The conditional effect of poverty on terrorist group participation. *Journal of Conflict Resolution*, 55(1), 106-132.
19. Khodadad Kashi, F., Heidari, K., & Bagheri, F. (2005). An estimation of poverty line in Iran during 1984-2000. *Social Welfare Quarterly*, 4(17), 137- 163 (In Persian).

20. Lastrapes, W. D., & Rajaram, R. (2016). Gender, caste and poverty in India: evidence from the National Family Health Survey. *Eurasian Economic Review*, 6(2), 153-171.
21. Lekobane, K. R., & Seleka, T. B. (2017). Determinants of household welfare and poverty in Botswana, 2002/2003 and 2009/2010. *Journal of Poverty*, 21(1), 42-60.
22. Mohamadzadeh, P., Fallahi, F., & Hekmati Farid, S. (2011). Poverty and its Determinants in the Iranian Urban Households. *Journal of Economic Modeling Research*, 1(2), 41-64 (In Persian).
23. Najafi, B., & Shoushtarian, A. (2007). Estimating poverty line and investigating determinants of poverty for rural and urban households in Iran. *Eqtasad-e keshavarzi va towse'e*, 15(59), 1-24 (In Persian).
24. Oginni, A., Ahonsi, B., & Ukwuije, F. (2013). Are female-headed households typically poorer than male-headed households in Nigeria? . *The Journal of Socio-Economics*, 45, 132-137.
25. Okojie, C. E. (2002). Gender and education as determinants of household poverty in Nigeria (No. 2002/37). Wider discussion paper.
26. Peña, R., Wall, S., & Persson, L. A. (2000). The effect of poverty, social inequity, and maternal education on infant mortality in Nicaragua, 1988-1993. *American journal of public health*, 90(1), 64.
27. Peng, C., Fang, L., Wang, J. S. H., Law, Y. W., Zhang, Y., & Yip, P. S. (2019). Determinants of poverty and their variation across the poverty spectrum: evidence from Hong Kong, a high-income society with a high poverty level. *Social Indicators Research*, 144(1), 219-250.
28. Rahman, M. (2013). Household Characteristics and Poverty: A Logistic Regression Analysis. *The Journal of Developing Areas*, 47(1), 303-317.
29. Ravallion, M. (1996). "Issues in Measuring and Modeling Poverty". *Economic Journal*, 106: 1328-1343.
30. Sekhampu, T. J. (2013). Determinants of poverty in a South African township. *Journal of Social Sciences*, 34(2), 145-153.
31. Shah, S., & Debnath, N. (2021). Determinants of Multidimensional Poverty in Rural Tripura, India. *Journal of Quantitative Economics*, 1-27.
32. Shaikh, P. A., Ahmed, M., Yousaf, H., & Ahmed, J. (2020). The determinants of poverty: A case study of district Lasbela, Balochistan, Pakistan. *International Journal of Advanced Science and Technology*, 29(7), 9688-9700.
33. Tang, S., Lee, H. F., Huang, X., & Zhou, J. (2022). Poverty Stories of rural households in China: The case of North Jiangsu. *Journal of Rural Studies*, 91, 1-9.
34. Wang, C., Wang, Y., Fang, H., Gao, B., Weng, Z., & Tian, Y. (2020). Determinants of Rural Poverty in Remote Mountains of Southeast China from the Household Perspective. *Social Indicators Research: An International and Interdisciplinary Journal for Quality-of-Life Measurement*, 1-18.
35. Wang, C., Zeng, B., Luo, D., Wang, Y., Tian, Y., Chen, S., & He, X. (2021). Measurements and determinants of multidimensional poverty: evidence from mountainous areas of Southeast China. *Journal of Social Service Research*, 47(5), 743-761.
36. Zaroki, S., Yadollahi Otagsara, M., & Yousefi Barforoshi, A. (2021). Informal employment and poverty of urban and rural households in Iran. *Journal of Economic Modeling Research*, 11(42), 83-117 (In Persian).